

حکمت بنیان

مدیریت



روایت مدیریت مدرسه بر مدار حکمت

## اگر افلاطون مدیر مدرسه بود!

سید محمد نوروزیان امیری، دکترای مدیریت آموزشی

کلیدواژه‌ها: افلاطون، مدیریت متمرکز، تربیت‌محور

در دوران همه‌گیری کرونا به پیشنهاد دو استاد در رشته مدیریت آموزشی، دکتر حیدر تورانی و دکتر علی خلخالی، قصد کردیم هفته‌ای یک بار در باب مکتب‌های فلسفی و اندیشه فیلسوفان گپی بزنیم. این دوره‌ی مجازی را «یک‌شنبه‌های فلسفه» نام نهادیم. در هر جلسه بخشی از هر گفت‌وگو را به دلالت‌های اندیشه فیلسوفان در حوزه مدیریت مدرسه اختصاص می‌دادیم. این امر بهانه‌ای شد تا نگارنده به این تأمل کند که به‌راستی اگر هر یک از فیلسوفانی که ما سال‌هاست درباره‌ی اندیشه آنان می‌خوانیم و تأمل می‌کنیم، به‌نحوی مستقیم سکان مدیریت مدرسه را در دست می‌گرفتند، چه اتفاقاتی رخ می‌داد؟ آنچه می‌خوانید، مجموعه یادداشت‌هایی از پس تأملات فلسفی در این باره است که به لطف حضرت حق قلمی خواهد شد. لازم به ذکر است، این متن روایتی تأملی از خوانش منابع متعدد در باب آرای فیلسوفان و حکما و به‌نوعی برداشت شخصی نگارنده در خصوص کاربست مبانی، اصول و روش‌های فلاسفه ماندگار به وجوه مدیریت مدرسه است.

### مدرسه گفت‌وگو

زمانه تسلط سופسطاییان بر باورهای عامه مردم بود. آن‌ها با تبلیغات، عوام‌فریبی و طرح مباحث انحرافی مردم را به اهداف خاص سیاسی خود هدایت می‌کردند. از این‌رو، افلاطون با تمرکز بر مفهوم گفت‌وگو (دیالوگ) و دیالکتیک آن‌ها را به گفت‌وگو دعوت می‌کرد تا حقیقت برملا شود. در این مدرسه، همه برنامه درسی حول «سؤال» شکل می‌گیرد. ساختار یادگیری باید طوری طراحی شود که «سؤالات باکیفیت» جای «پاسخ‌های صحیح» را بگیرند.

مدرسه‌ای که افلاطون آن را مدیریت می‌کند، مدرسه گفت‌وگوست. افلاطون بر خلاف استادش سقراط که اثر مکتوبی از خود به‌جای نگذاشت، حدود سی اثر و رساله منتشر کرد که روش نگارش آن‌ها به‌صورت گفت‌وگو و نمایشنامه است. او گفت‌وگو و دیالکتیک را هدیه‌ای الهی می‌داند که روش خاص خود را می‌طلبد. از این‌رو، گفت‌وگو و دیالکتیک جایگاه ویژه‌ای در برنامه درسی مدرسه دارد. زمانه افلاطون

## مدیریت متمرکز

افلاطون معتقد است، مسئولیت اصلی آموزش و پرورش با دولت و نیازمند محیطی خاص است. از این رو، افلاطون اختلاف سلیقه اولیای دانش آموزان را مانعی بر سر راه تربیت می‌داند و جداکردن دانش آموزان از خانه و خانواده، ذیل یک نظام تربیتی دولتی و متمرکز را چاره کار می‌داند. مدرسه افلاطونی توسط یک مدیر کاردان و دو معاون سرپرستی می‌شود. معاون اول مسئولیت موسیقی و هنر و معاون دوم مسئولیت رشد بدنی و چم‌ورزی (ژیمناستیک) را بر عهده خواهند داشت.

## رازآموزی

هم و غم افلاطون به منزله یک مدیر مدرسه آن است که بستر ساز مناسبی میان معلم و دانش آموز باشد تا ارتباط برای رازآموزی شکل گیرد. افلاطون جنس این ارتباط را مرید و مرادی و حتی عاشقانه می‌داند. چاتوا در این باره می‌گوید: آنچه مربی عاشق را به سمت جوانان می‌کشاند، بیش از زیبایی تن، زاینده‌گی معنوی و زیبایی روانی است. آنچه معلم در شاگرد می‌جوید، رابطه جسمانی نیست، بلکه ابزار صمیمانه احساسات و اشتراک فکری است و حاصل آن ثمره حکمت و فضیلت است که در روح نسل آینده بسی وسیع‌تر از جنبه جسمانی است (معنوی پور، ۱۳۹۹).

## استعدادیابی

یکی از وجوه مهم مدیریت در مدرسه افلاطونی مسئله استعدادیابی است. افلاطون معتقد است، دانش آموزان فلز متفاوتی در درون خود دارند. وی برای تشبیه فلز دانش آموزان از طلا، نقره، برنج و آهن استفاده می‌کند و بر همین منوال آنان را به سه طبقه پایین، میانه و بالا تقسیم می‌کند. با این توصیف، مدرسه افلاطونی یک مدرسه طبقاتی است. افلاطون خود را ملزم و مأمور می‌پندارد تا پس از استعدادیابی و شناخت فلز بالقوه دانش آموزان، آن‌ها را برای طبقات آینده یعنی حاکمان، نگاهبانان و کارگران آماده کند.

## تفاوت‌های فردی ذیل چتر نیاز جامعه

در مدرسه افلاطون شناخت فلز دانش آموزان و کشف استعداد آنان زمینه‌ای است تا نوع تعلیم و تربیت در نسبت با تفاوت‌های فردی آنان معین شود؛ اما همان گونه که گفته شد،

تفاوت‌های فردی در مدرسه افلاطونی در نسبت با طبقه‌ای که دانش آموزان در آن زیست می‌کنند، شکوفا خواهد شد. برای مثال، فرزندان طبقه حاکم که در پیش فرض مدرسه افلاطونی از نخبگان جامعه هستند، تحت آموزش مستمر و طولانی فلسفه و دیالکتیک قرار می‌گیرند تا به حقیقت نائل شوند و رهبران بافضیلت آینده را تشکیل دهند. اما طبقه نگهبانان فقط آموزش‌های نظامی می‌بینند تا نظامیان آینده وطن باشند. طبقه کارگر نیز آموزش‌های مهارتی و فنی می‌بینند تا نیاز نیروی ماهر آینده را تأمین کنند.

## مدرسه تربیت

مدرسه افلاطونی مدرسه‌ای است که در پی کشف حقیقت است. از طرف دیگر، افلاطون معتقد است کشف حقیقت نیازمند سلوک و طی فرایندهای خاص تربیتی است که در مدیریت این مدرسه باید به این فرایندها اصالت داد. در واقع، مدیریت مدرسه افلاطونی مدیریتی تربیت‌محور است که همه ارکان آن در خدمت تربیت هستند. مدرسه تربیتی افلاطون ذیل کلان ایده مدینه فاضله وی قابل مطالعه و توصیف است (نقیب‌زاده، ۱۴۰۱).

## معلم مراد یادآورنده

درک حقیقت در مدرسه افلاطونی از طریق علم حضوری میسر است. این مهم را دانش آموزان تنها از معلمان طالب حقیقت خواهند آموخت، نه معلم کارمند و طالب کسب درآمد. در مدرسه افلاطونی فعالیت اقتصادی برای معلمان ممنوع است. در مدیریت مدرسه افلاطونی دو برنامه کلان موجود است. کشف دانش آموزانی از طبقه سرپرستان، به گونه‌ای که قدرت فهم و کشف حقیقت را داشته باشند و دوم کشف استادانی از همان طبقه که بتوانند با شاگردان ارتباط اثربخشی برقرار کنند. مدرسه افلاطونی مدرسه‌ای معلم‌محور و نوع ارتباط معلم و شاگرد از نوع مرید و مرادی است. معلم مراد هدفش آموختن از طریق انتقال معارف به درون ذهن شاگرد نیست، بلکه معلم به منزله یادآوری کننده‌ای است که آنچه را در ذهن شاگرد وجود دارد روشن می‌کند تا حقیقت را کشف کند. ■

## منابع

۱. معنوی پور، داود (۱۳۹۹). فلسفه تعلیم و تربیت. دوران. تهران.
۲. نقیب‌زاده، میر عبدالحسین (۱۴۰۱). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. کتابخانه ظهوری. تهران.